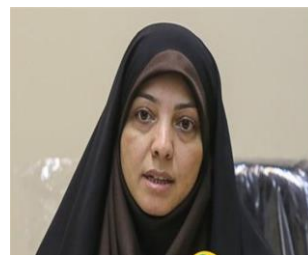


قانون بانک مرکزی یک قانون پایه و به اصطلاح قانون مادر است. نه فقط سیاست پولی و روابط بانکی بلکه کل اقتصاد تحت تأثیر این قانون قرار می‌گیرد چه اصراری هست که قانون به این مهمی به صورت طرح توسط نمایندگان مجلس تهیه شود؟

بانک مرکزی از دهه ی ۷۰ تاکنون با ارائه ی اصلاحاتی بر قانون پولی و بانکی کشور مصوب سال ۱۳۵۱ و همچنین اصلاح موادی از قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲، تلاش کرده تا قانون پولی و بانکی کشور را با توجه به شرایط حاکم بهنگام سازی نماید. لذا با ارائه پیشنهادات به مجلس شورای اسلامی و یا شورای پول و اعتبار، تعدادی از مواد قانون پولی و بانکی اصلاح شده اند به گونه ای که هم اکنون با مراجعه به سایت رسمی بانک مرکزی؛ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸ (با آخرین اصلاحات تا ۱۳۹۹/۲/۱۰) تحت عنوان "قانون پولی و بانکی کشور (به انضمام آئین نامه طرز اداره بانک و نحوه الغاء اجازه تأسیس بانک در موارد مذکور در ماده ۳۹ قانون پولی و بانکی کشور)" در دسترس است.



از سوی دیگر بانک مرکزی با استفاده از دانش مدیران و کارشناسان خبره بانکی و با مطالعه تطبیقی قوانین بانکی سایر کشورها، لویحی را تحت عنوان "لایحه قانون بانکداری" و "لایحه قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران" (لویح دوقلوی قوانین بانکی) در سال ۱۳۹۵ به دولت وقت ارائه داده بود لیکن دولت وقت از ارسال لویح دوقلو به مجلس شورای اسلامی خودداری کرده بود.

در مرداد ماه ۱۳۹۵ با تعلل دولت وقت در ارسال لویح قانونی فوق به مجلس شورای اسلامی، تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با محوریت آقای دکتر حسین زاده بحرینی اقدام به ارائه ی طرح "قانون جامع بانکداری جمهوری اسلامی ایران" نمودند که از ادغام دو طرح "طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران" و "طرح بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران" و نیز احکام مرتبط با تشکیل "بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران" طی ۲۰ فصل و ۲۱۹ ماده حاصل شده بود. تاریخ اعلام وصول این طرح ۱۷ مرداد ۱۳۹۵ (دقیقا تاریخ ارائه لویح دو قلو از سوی بانک مرکزی به دولت) است!

نکته مهم این است که با وجود عدم ارائه ی لویح فوق الاشاره از سوی دولت به مجلس، نمایندگان مجلس مدعی ادغام این لویح هستند! هم زمانی این تاریخ ها حاکی از این است که احتمالا بانک مرکزی با اطلاع یافتن از تهیه این طرح، خواسته زودتر لویح را به دولت ارائه دهد تا این قانون از طریق ارائه ی لایحه دولت در مجلس مطرح شود و نه در قالب طرح. این نکته در سلسله گزارشات کارشناسی (۴ گزارش) این طرح از سوی مرکز پژوهش های مجلس نیز مورد تأکید قرار گرفته است.^۲

مقررات و قوانین-www.cbi.ir

^۲ گزارش مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی: "اظهار نظر کارشناسی در باره " طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران "۱- کلیات طرح"، دوره دهم- سال اول، کد موضوعی: ۲۲۰، شماره مسلسل: ۱۵۱۶۸، آذر ۱۳۹۵

طرح بانكداري كه از سوي نمايندگان مجلس با رهبري آقاي دكتور بحريني تحت عنوان گزارش كميسيون اقتصادي در تاريخ ۲۶ مرداد ۱۳۹۸ درباره موارد زير:

" طرح بانك مركزي جمهوري اسلامي ايران " به شماره ثبت ۳۲۸،

" طرح بانكداري جمهوري اسلامي ايران " به شماره ثبت ۱۶۵،

" طرح تاسيس بانك توسعه جمهوري اسلامي ايران " به شماره ثبت ۴۳۵،

" طرح عمليات بانكي بدون ربا " به شماره ثبت ۱۵۰ و

" لايحه اصلاح قانون پولي و بانكي كشور " به شماره ثبت ۳۱۷

طي ۲۰ فصل و ۲۱۹ ماده ارائه شد و تاكنون جلسات دو شوري مجلس در اين خصوص برگزار شده است. به اذعان نمايندگان مجلس شوراي اسلامي به دليل عدم ارائه ي لوايح جامع از سوي دولت و بانك مركزي طی سال های گذشته، نمايندگان مجلس دهم اقدام به ارائه اين طرح تحت عنوان " طرح قانون جامع بانكداري جمهوري اسلامي ايران " نمودند. طبق ماده ۱۶۹ لايحه فوق، از تاريخ اجرائي اين قانون، قانون پولي و بانكي مصوب سال ۱۳۵۱ و تغييرات بعدي آن، قانون عمليات بانكي بدون ربا مصوب سال ۱۳۶۲ و تغييرات بعدي آن، لايحه قانوني اداره امور بانك ها و قانون اجازه تاسيس بانك هاي غيردولتي، ماده ۵ قانون اجرائي سياست هاي كلي اصل ۴۴ قانون اساسي، قانون تسهيل اعطاي تسهيلات بانكي و کاهش هزينه هاي طرح و تسريع در اجرائي طرح هاي توليدي و افزايش منابع مالي و كارآيي بانك ها و قسمت اخير بند (و) ماده ۹ قانون اجرائي سياست هاي كلي اصل ۴۴ قانون اساسي و تمامی قوانین و مقررات ديگر در مواردی که با این قوانین مغایرت دارد، ملغی خواهد شد.

اولين نسخه گزارش يك شوري طرح بانكداري جمهوري اسلامي ايران كه در مرداد ۱۳۹۵ ارائه شده بود^۳، پس از رفت و برگشت هاي زياد بين دولت مجلس، سرانجام پس از تأييد كميسيون هاي آموزش، تحقيقات و فناوري مجلس در ۱۳۹۶/۷/۲۲، انرژي در ۱۳۹۷/۷/۸، برنامه و بودجه در ۱۳۹۸/۱/۲۷، بالاخره در تاريخ ۱۳۹۸/۸/۲۹ منتشر شد و كليات اين طرح در آذر ماه سال ۱۳۹۸ در صحن علني مجلس به تصويب رسيد.

شايدان ذكر است كه گزارش مستقل " طرح بانك مركزي جمهوري اسلامي ايران " در ارديبهشت ۱۳۹۸ به هيأت رئيسه تقديم شده بود و در نوبت بررسي صحن قرار گرفته بود كه بعداً توسط كميسيون جهت ارسال گزارش جامع و يکپارچه پس گرفته شد.

^۳ مجلس شوراي اسلامي؛ معاونت قوانين، اداره كل تدوين قوانين، يك شوري، طرح بانكداري جمهوري اسلامي ايران، كميسيون اصلي: كميسيون اقتصادي؛ دوره دهم-سال اول- ۱۳۹۵/۷/۴، شماره چاپ: ۱۸۷، شماره ثبت: ۱۶۵

در آذر ۱۳۹۸ از ۵ طرح فوق، چهار طرح با عناوین "طرح عملیات بانکی بدون ربا"، "طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران"، "طرح بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران"، "طرح تأسیس بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران"، و نیز یک لایحه تحت عنوان "لایحه اصلاح قانون پولی و بانکی کشور" در حوزه نظام بانکی در مجلس دهم اعلام وصول شد و در دستور کار کمیسیون اقتصادی مجلس و کمیته پولی و بانکی این کمیسیون قرار گرفت و در نهایت ماحصل همه ی این اقدامات در قالب یک گزارش جامع از طرف کمیسیون اقتصادی آماده شد.

شور دوم طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران در دو بخش کلیات و مقایسه با گزارش شوری اول و همچنین بررسی مواد فصول اول و دوم به شماره ثبت ۵۸ در نوبت رسیدگی قرار گرفت. خلاصه ای از مواد، ملاحظات حقوقی، ملاحظات اقتصادی و پیشنهادات اصلاحی در شوری دوم به شرح جداول پیوست ارایه شده است^۴ که نشان دهنده ی کم توجهی به موضوعات اساسی بانک مرکزی به ویژه ارکان، وظایف و تناسب اختیارات و مسؤولیت های بانک مرکزی است.

در تاریخ ۱۳۹۹/۴/۳ طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران بعد از اعمال اصلاحات مورد نظر شوری دوم مجدداً در جلسه علنی مجلس به صورت طرح عادی اعلام وصول شد. طبق این طرح تعداد مواد طرح بانکداری جمهوری اسلامی به ۲۱۴ ماده تقلیل یافته بود.

در تاریخ ۱۴۰۰/۱/۲۵ آقای دکتر پورابراهیمی داورانی رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس طی گزارش یک شوری^۵ اعلام کرد که طرح عادی بانکداری جمهوری اسلامی ایران که جهت بررسی به کمیسیون اقتصادی ارجاع شده بود با حضور مسؤولین دستگاه های اجرائی ذیربط و کارشناسان مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفته و در جلسه مورخ ۱۴۰۰/۱/۲۵ با اصلاح در عنوان و متن طی یازده فصل و ۷۹ ماده به تصویب رسیده است. با انتشار این خبر در رسانه ها، گروهی از مدیران نظام بانکی طی نامه مورخ ۱۴۰۰/۲/۸ به مقام معظم رهبری مخالفت خود را با ذکر بخشی از ایرادات اساسی مندرج در این طرح اعلام کردند. متعاقب این موضوع، مجدداً تعدادی از رؤسای کل سابق و مدیران سابق و فعلی بانک مرکزی و شبکه بانکی کشور طی نامه مورخ ۱۴۰۱/۵/۲۵ ضمن ذکر ایرادات اساسی طرح، مخالفت خود را به ریاست محترم مجلس شورای اسلامی اعلام نمودند.

با وجود این مکاتبات و انجام برخی اصلاحات در متن طرح، سرانجام در ۱۵ آبان ۱۴۰۱ بررسی جزئیات این طرح به پایان رسید و برای تأیید نهایی به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان در دیماه ۱۴۰۱ به فصل اول این طرح و تعاریف نیز ایرادات اساسی گرفته است و با ۱۵۴ ایراد و ۳۰ تذکر طرح بانکداری را به مجلس عودت داده است. در میان ۱۵۴ ایراد شورای نگهبان که بخشی از آن مرتبط با مسؤولیت ها و وظایف شورای فقهی و هیات عالی است، بالغ بر ۱۰۴ ابهام موجود بوده که مغایر با چارچوب قانون نویسی است. ایرادات وارد شده از سوی شورای نگهبان به موارد متعددی از جمله «تعاریف عبارات و اصلاحات»، «ترکیب اعضای هیات عالی بانک مرکزی»، «وظایف هیات انتظامی

^۴ مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اقتصادی؛ اظهارنظر کارشناسی در خصوص گزارش شور دوم " طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران (طرح مسؤولیت، اهداف، ساختار، و وظایف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران)" ۱- کلیات و مقایسه با گزارش شور اول، ثبت: ۵۸؛ مرداد ۱۴۰۱؛ مسلسل: ۱-۱۸۳۰۷؛ دوره یازدهم- سال سوم

^۵ مجلس شورای اسلامی؛ معاونت قوانین، گزارش یک شوری؛ " طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران"؛ دوره یازدهم؛ سال اول؛ شماره ثبت: ۵۸، ۱۴۰۰/۱/۲۵

بانک مرکزی» و «وظایف و اختیارات بانک مرکزی برای نظارت بر شبکه بانکی و پولی کشور» باز می گردد. مجموع ایرادات حاکم بر این طرح حاکی از ضعف های متعدد این طرح است به گونه ای که شورای نگهبان برای ۷۹ ماده این طرح ۱۷۳ ایراد گرفته که خود گویای وضع طرح است.

اگرچه طبق اخبارها منتشره در رسانه ها در ۱۸ بهمن ماه سال ۱۴۰۱ مجلس شورای اسلامی اقدام به اصلاح برخی از ایرادات اعلامی از سوی شورای نگهبان در مواد ۱ تا ۶۶ طرح بانکداری نموده است، لیکن هنوز ایرادات بسیاری بر این طرح وارد است.^۶

چه کسانی در مجلس این طرح را تهیه کرده اند و موافق آن هستند؟ چه کسانی مخالفند؟

طبق یک شوری طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران مورخ ۱۳۹۵/۷/۴، "طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران" به امضای ۲۲۵ نفر از نمایندگان رسیده بود و نام آقای حسین زاده بحرینی به عنوان اولین نفر درج شده است.^۷ طبعاً سایر نمایندگان مجلس که کمتر از ۵۰ نفر هستند (از جمله سید شمس الدین حسینی، الیاس نادران، علی نیکزاد و ...) یا با این طرح مخالف بوده اند و یا نظری نداشته اند.

^۶ خبرگزاری جمهوری اسلامی ۱۳۱۳؛ "با رأی نمایندگان موادی از طرح بانکداری اسلامی برایتأمین نظر شورای نگهبان اصلاح شد؛ ۱۴۰۱/۱۱/۱۸؛ کد خبر <https://www.irna.ir/news/85022019>؛ ۸۵۰۲۲۰۱۹

^۷ مجلس شورای اسلامی؛ معاونت قوانین، اداره کل تدوین قوانین، یک شوری، طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران، کمیسیون اصلی: کمیسیون اقتصادی؛ دوره دهم-سال اول-۱۳۹۵/۷/۴، شماره چاپ: ۱۸۷، شماره ثبت: ۱۶۵

شماره چاپ ۱۸۷	شماره ثبت ۱۶۵	 جمهوری اسلامی ایران مجلس شورای اسلامی	دوره دهم - سال اول تاریخ چاپ ۱۳۹۵/۷/۴
یک شوری			
طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران			
			کمیسیونهای ارجاعی
<input type="text"/>			اصلی: اقتصادی
<input type="text"/>			فرعی: امنیت ملی و سیاست خارجی - قضائی و حقوقی
معاونت قوانین اداره کل تدوین قوانین			

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

احتراماً طرح ذیل که به امضای ۲۲۵ نفر از نمایندگان رسیده است، جهت طی مراحل قانونی تقدیم می‌گردد.

مقدمه (دلایل توجیهی):

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با هدف تطهیر نظام بانکی کشور از ربا تلاشهای متعددی صورت پذیرفت. آخرین اقدام قانونی در این زمینه، تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) در سال ۱۳۶۲ بود. علی‌رغم دقتهای قانونگذار در تدوین قانون مزبور، فرآیندهای سپرده‌گذاری و اعطای تسهیلات در عمل با مشکلاتی مواجه شد و مجدداً شائبه ربوی شدن معاملات بانکی در اذهان عمومی شکل گرفت. با گذشت بیش از پنجاه سال از تصویب قانون بونوی و بانکی کشور (مصوب ۱۳۵۱) و بیش از سی سال از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا (مصوب ۱۳۶۲)، اکنون لازم است قوانین مزبور بر اساس تجارب به‌دست آمده، شرایط نوین اقتصادی ایران و جهان و اقتضات و پیشرفت‌های صنعت بانکداری، مورد بازنگری عمیق قرار گیرد.

طرح حاضر، دربردارنده بازنگری اساسی و به‌روز رسانی قوانین پیش‌گفته است که برای بررسی و تصویب تقدیم

مجلس شورای اسلامی می‌شود.

حسین زاده بحرینی - فرهنگی - پورا ابراهیمی - شکری - مطهری - نعمتی - محمد اسماعیل سعیدی - داودی - محمد حسینی - تاج گردون - جعفرزاده - محمد جواد جمالی - شیخ - بابایی صالح - طیار - سید حسن حسینی - پزشکیان - علیزاده - داداشی - شاعری - نوبخت - اله قلی زاده - خالدی - علی کاظمی - حسن نژاد - کریمی قدوسی - نانو انکاری - حسن پور - ادیبانی - علیرضا سلیمی - رضا کریمی - کرم پور - رضایی کوچی - ملکشاهی راد - نقوی حسینی - کوچکی نژاد - کشت زر - نیکفر - ابوترابی - پور مختار - اکبریان - حسونند - خادمی - ظاهری - زاهدی - شریف پور - کاظم زاده - ترکی - انصاری - سید فرید موسوی - نوروزی - حاجی بابایی - عبادی - حسینی کیا - علی اکبر کریمی - هزار جریبی - ساعدی - اصغر سلیمی - شوشتری - خدری - فیضی - فریدون احمدی - هاشم زابویی - بنایی - خادم - بختیاری - کواکبیان - سید مصطفی ذوالقدر - رحیمی جهان آبادی - برومند - محمدی (قزوین) - پژمانفر - حاجی دلگانی - خدابخش - کبیری - نوری - برزگر - سعادت - علی محمد مرادی - بیرانوندی - سالک - فاطمه ذوالقدر - سلحشوری - محمودی - جلو دارزاده - مافی - عباسی - زهرا سعیدی - چنارانی - زارع - اولاد قباد - ربیعی - تاج الدین - الماسی - زرآبادی - سیاوشی - مصری - حمزه - لاهوتی - رستمیان - خدادادی - هاشمی نخعی نژاد - نورقلی پور - زارعی - مسعودی - سروش - بهمنی - فتحی - اسمعیلی - ساداتی نژاد - پوریا فرانی - قاضی پور - سید محسن علوی - درازهی - همنی - شیران خراسانی - موسوی لارگانی - دهقانی نقندر - سید امیر حسین قاضی زاده - کاتب - انارکی محمدی - کمالی پور - سید ابوالفضل موسوی - آبرامیان - صفاری - قسی - نظر افضلی - اعزازی - فرشادان - عبدالکریم حسین زاده - محمودزاده - میرزاده - بدری - علی قربانی - محمد حسین قربانی - پارسایی - جاسمی - فلاحتی - حمداله کریمی - علیمرادی - قره خانی - حسینی جوربایی - دهقانی فیروز آبادی - عثمانی - ملکشاهی - حضرتی - ابطی - حضرت پور - اکبری (شیراز) - کولیوند - محمد ابراهیم رضایی - محمدی (تهران) - دهمرده - صباغیان - پور حسین - خجسته - سید حمیدرضا کاظمی - شیویاری - لطفی - نیکزادی پناه - طباطبایی نژاد - نجفی - آزادی خواه - مقصودی - کرد - خاتمی - بیمقدار - بیگدلی - صفری - گرمایی - جعفر پور - سامری - محمدیان - بیگلری - خسته بند - بروجردی - اسماعیلی - علی ابراهیمی - تربتی نژاد - بهادری - سید احسن علوی - علی رضا بیگی - حسن بیگی - علیزاده - ذوالنوری - سبحانی فر - فولادگر - حاتمیان - یوسفی - سید حسین افضلی - باستانی - ساری - سلام امینی - منصوری - علیرضا ابراهیمی - شرقی - کیان پور - نادری - رجبی - تجری - بادامچی - تابش - پناهی زاده - اسدی کرم - بت کلیا - بهرام نیا - اختیاریه - جلالی - احمدی لاشکی - دامادی - احمد مرادی - محمد کاظمی - محبوب - دلخوش - مفتاح - امیر حسن خانی - مختار - فلاحت پیشه - میرزایی نیکو - ایران نژاد - ناصری نژاد - رضازاده - عباس گودرزی - ظاهر خانی - یوسف نژاد

منبع: مجلس شورای اسلامی - یک شوری - طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران - دوره دهم - سال اول - ۱۳۹۵/۷/۴

نامه ۲۰۰ نفر از مدیران ارشد بانکی از جمله تعداد زیادی از روسای کل بانک مرکزی در اعتراض به این طرح به ریاست محترم مجلس چه عکس العملی داشت؟ آیا نتیجه ای داشت؟ البته سه رییس بانک مرکزی که نامه را امضا نکردند همگی جداگانه مخالفت خود را با طرح ابراز کرده اند؟

قطعاً ارسال نامه اول در تاریخ ۱۴۰۰/۲/۸ به مقام معظم رهبری و همچنین نامه دوم در تاریخ ۱۴۰۱/۵/۲۵ به رئیس مجلس شورای اسلامی نتیجه خوبی در بازدارندگی تصویب عجولانه ی این طرح داشته است. انعکاس این نامه ها در رسانه ها و متعاقب آن اظهارنظرهای اساتید دانشگاه ها و سایر کارشناسان اقتصادی، مالی و بانکی در رسانه ها و همچنین نظر مقام معظم رهبری در هامش اولین نامه ی تنظیمی توسط مدیران بانکی توانست جلوی تصمیم عجولانه نمایندگان مجلس شورای اسلامی در تصویب این طرح را بگیرد. اگرچه نامه دوم خطاب به جناب آقای دکتر قالیباف ریاست محترم مجلس شورای اسلامی نوشته شده بود، به صورت غیر اصولی توسط جناب آقای دکتر بحرینی پاسخ داده شده است!!! ولی در هر حال اثر خود را در توجه هر چه بیشتر متخصصان و اعضاء محترم شورای نگهبان قانون اساسی به مفاد طرح تا امروز داشته است.

کارشناسان می گویند در این طرح سلطه مالی بر بانک مرکزی در همه جای قانون هست؟ نظر شما چیست؟ در کجای قانون سلطه مالی وجود دارد؟

دقیقاً همین طور است. اگرچه این طرح از زمان اعلام وصول در مجلس در سال ۱۳۹۵ و تصویب کلیات آن در تاریخ ۱۳۹۸/۰۹/۲۶، تاکنون چندین بار توسط کارشناسان مرکز پژوهش های مجلس، طراحان و نمایندگان مجلس مورد بازنگری قرار گرفته است و جلسات متعددی با متخصصان حوزه پولی و بانکی و منتقدان این طرح توسط آقای دکتر بحرینی در راستای اصلاح ایرادات این طرح برگزار شده است، که منتج به کاهش تعداد مواد این قانون از ۲۱۹ ماده به ۱۹۹ ماده و در نهایت به ۶۷ ماده، گردیده است، لیکن با نگاه به ساختار و ارکان بانک مرکزی که حاکی از عدم تناسب حوزه های تصمیم گیری و پاسخگویی و همچنین حیطه ی وظایف، اختیارات و مسئولیت های این بانک که حاکی از عدم تناسب اختیارات و مسئولیت های رئیس کل بانک مرکزی در انجام وظایف قانونی خود در امر سیاست گذاری پولی با هدف کنترل تورم، حفظ ارزش پول ملی و نظارت بر بانک ها، تعاونی های اعتبار و مؤسسات اعتباری غیر بانکی، مؤسسات پولی و ارزی و صندوق های قرض الحسنه است، به خوبی سلطه ی مالی دولت بر بانک مرکزی به عنوان سیاست گذار پولی و تنظیم گر بازار پول، ارز و اعتبار نمایان است.

گزارش کمیسیون اقتصادی مجلس در خصوص " طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران " در سه قسمت و ۲۰ فصل جمعا ۲۱۹ ماده تنظیم شد که بر اساس گزارش مرکز پژوهش های مجلس مهم ترین محورهای اصلاح آن مربوط فصل های سوم تا بیستم این طرح است که مهم ترین آن ها عبارتند از:

فصل سوم: مسئولیت ها، اهداف، وظائف و اختیارات بانک مرکزی

فصل چهارم: ساختار بانک مرکزی

فصل پنجم: تعیین و اجرای سیاست های پولی، ارزی و اعتباری

فصل ششم: سیاست های رسانه ای و اطلاع رسانی

فصل هفتم: رابطه بانک مرکزی با نهادهای حاکمیتی

فصل هشتم: سیاست های ارزی و مدیریت ذخائر ارزی

فصل نهم: صورت های مالی بانک مرکزی، حسابرسی و انتشار آن ها

فصل دهم: سایر موضوعات مربوط به بانک مرکزی

فصل یازدهم: پول و نظام پرداخت

همچنین نظرات کارشناسی معاونت قوانین در مجلس شورای اسلامی، ایرادات زیادی به لحاظ ساختار حقوقی و رعایت قوانین مربوطه در گزارش یک شوری طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران ارائه شده است.^۸

ایرادات شورای نگهبان به طرح بانکداری را می توان در سه بخش توضیح داد:

۱. ابهامات در متن طرح: تعاریف، ساختار متن، عدم انسجام مطالب، تعدد مواد قانونی

۲. مغایرت با قانون اساسی: به گونه ای که مغایرت این قانون با ایرادات مرتبط با اصول مهم ۸۵، ۷۵، ۵۷ و ۱۱۰ قانون اساسی از سوی شورای نگهبان ذکر شده و تأکید کرده است که مجلس بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی نمی تواند صلاحیت قانون گذاری خود را به کمیسیون ها و نهادهای دیگری چون شورای فقهی و هیأت عالی تفویض نماید.

۳. عدم تطبیق طرح با موازین شرعی و اسلامی

پیش از این هیأت عالی نظارت بر حسن اجرای سیاست های کلی نظام در مجمع تشخیص مصلحت در ۱۹ مورد مغایرت میان سیاست های کلان و این طرح مجلس را احصاء کرده بود که در مجموع ۱۷۳ ایراد به کل طرح وارد آمده است. مجمع تشخیص مصلحت نظام پیش بینی شورای فقهی به عنوان یکی از ارکان بانک مرکزی را مغایر با اجزای ۱، ۲، ۳، و ۶ بند ۹ سیاست های کلی نظام دانسته است.

با توجه به گستره ایراداتی که شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام از طرح بانکداری گرفته اند، ضرورت تشکیل و جایگاه شورای فقهی و همچنین ترکیب اعضاء و کارکرد هیأت عالی در بانک مرکزی مهم ترین ایرادات این طرح هستند.

جدول شماره ۵ گزارش شوری دوم مجلس نیز بخوبی این امر را نشان می دهد. (منبع ۳)

^۸ مجلس شورای اسلامی، گزارش یک شوری طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران؛ دوره دهم - سال اول؛ معاونت قوانین - اداره کل تدوین قوانین؛ تاریخ چاپ: ۱۳۹۵/۷/۴، شماره چاپ: ۱۸۷؛ شماره ثبت: ۱۶۵

جدول ۱. مقایسه ترکیب اعضای هیئت عالی در متن نهایی شور اول و دوم

اعضای هیئت عالی در گزارش شور اول	اعضای هیئت عالی در گزارش شور دوم
۱. رئیس کل	۱. رئیس کل
۲. معاون سیاستگذاری پولی	۲. وزیر امور اقتصادی و دارایی
۳. معاون نظارتی	۳. رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور
۴. سه نفر اقتصاددان متخصص در حوزه سیاستگذاری پولی	۴. دو نفر اقتصاددان متخصص در زمینه سیاستگذاری پولی و ارزی
و اقتصاد کلان	۵. دو نفر متخصص در حوزه بانکداری؛ یک نفر در زمینه حقوق بانکی و یک نفر در زمینه امور مالی
۵. سه نفر متخصص در حوزه بانکداری و حقوق بانکی	

منبع: مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اقتصادی؛ اظهارنظر کارشناسی در خصوص گزارش شور دوم " طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران) طرح مسئولیت، اهداف، ساختار، و وظائف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران)"
 ۱- کلیات و مقایسه با گزارش شور اول، ثبت: ۵۸؛ مرداد ۱۴۰۱؛ مسلسل: ۱-۱۸۳۰۷؛ دوره یازدهم- سال سوم

جدول ۲. مقایسه طریقه نصب و عزل اعضای هیئت عالی در متن نهایی شور اول و دوم

موضوع	گزارش نهایی شور اول	گزارش نهایی شور دوم
نصب رئیس کل	توسط رئیس جمهور پس از مشورت با اعضای غیراجرایی هیئت عالی (سه نفر اقتصاددان و سه نفر متخصص بانکداری)	به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی و بعد از تصویب هیئت دولت، با تأیید و حکم رئیس جمهور (مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۳/۰۸/۲۴)
عزل رئیس کل	توسط رئیس جمهور؛ پس از مشورت با اعضای غیراجرایی هیئت عالی، مستند به قصور یا تقصیر در انجام وظایف یا اجرای مصوبات، به همراه ارائه دلایل و مستندات عزل به رئیس مجلس شورای اسلامی قبل از عزل	به پیشنهاد رئیس جمهور و بعد از تصویب دوسوم اعضای هیئت دولت با حکم رئیس جمهور (مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۳/۰۸/۲۴)
نصب سایر اعضای هیئت عالی	معاون سیاستگذاری پولی: توسط رئیس کل (ماده (۱۶)) معاون نظارتی: توسط رئیس کل (ماده (۱۶)) اعضای غیراجرایی: با انتخاب و حکم رئیس جمهور (ماده (۶))	وزیر امور اقتصادی و دارایی: مطابق با پیشنهاد رئیس جمهور و رأی اعتماد مجلس رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور: توسط رئیس جمهور دو نفر اقتصاددان: به پیشنهاد رئیس کل و تأیید و حکم رئیس جمهور (ماده (۷)) دو نفر متخصص بانکداری: به پیشنهاد رئیس کل و تأیید و حکم رئیس جمهور (ماده (۷))
عزل سایر اعضای هیئت عالی	معاون سیاستگذاری پولی: به پیشنهاد رئیس کل و تأیید اکثریت اعضای غیراجرایی هیئت عالی (بند «پ» ماده (۹)) معاون نظارتی: به پیشنهاد رئیس کل و تأیید اکثریت اعضای غیراجرایی هیئت عالی (بند «پ» ماده (۹)) اعضای غیراجرایی: تشخیص و تأیید دو عضو (از مجموع سه عضو) از اعضای هیئت نظار مبنی بر تقصیر هر کدام از اعضای غیراجرایی در انجام وظایف قانونی، ارائه آن به سران قوا به همراه دلایل و مستندات، موافقت همه اعضای سران قوا با گزارش دریافت شده و با حکم نهایی رئیس جمهور (تبصره «۳» ماده (۱۷))	وزیر امور اقتصادی و دارایی: توسط رئیس جمهور و یا مجلس شورای اسلامی عزل می گردد. رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور: توسط رئیس جمهور دو نفر اقتصاددان: توسط رئیس جمهور (ماده (۷)) دو نفر متخصص بانکداری: توسط رئیس جمهور (ماده (۷))

همان منبع

موضوع استقلال بانک مرکزی از دولت در طرح بانک مرکزی از آن جهت اهمیت دارد که از سرایت ناترازی دولت (کسری بودجه) به متغیرهای پولی (نقدینگی، پایه پولی، انواع بدهی ها به بانک مرکزی) و شاخص تورم جلوگیری می نماید. لذا به نظر می رسد متن نهائی شوری دوم طرح بانکداری نسبت به شوری اول از درجه استقلال کمتری برخوردار است که مثبت ارزیابی نمی شود و می توان این موضوع را مهم ترین ضعف این طرح دانست.

جدول ۵. آسیب شناسی وضعیت فعلی و چاره جویی شور اول و دوم طرح بانک مرکزی برای آن

اصلاحات شور دوم طرح	اصلاحات شور اول طرح	آسیبها			
تمدید و تقویت سازوکارهای برنامه ششم	تمدید و تقویت سازوکارهای برنامه ششم	شرعی		مقرراتگذاری و نظارت	
بهبود جدی	بهبود جدی	احتیاطی		سیاستگذاری پولی	
بهبود جدی	بهبود جدی	محدودیت ابزارها			
زمینه سازی	زمینه سازی	آشفته گی در انتخاب لنگر اسمی		سیاستگذاری ارزی	
زمینه سازی	زمینه سازی	کوتاهی در ایجاد بازار متشکل نقد و حواله و تعریف سازوکار مداخله			
بهبود جدی	بهبود جدی	سلطه ارزی دولت بر بانک مرکزی و الزام به خرید ارزهای دولت		سیاستگذاری ارزی	
زمینه سازی	زمینه سازی	عدم پایداری به نظام ارزی شناور مدیریت شده			
عدم تغییر	بهبود نسبی	با دولت: استقلال مقام پولی (سلطه مالی)	سازمانی	نقاط ضعف حاکم بر نهاد بانک مرکزی	
بهبود نسبی	بهبود جدی	با بانکها	تعارض منافع		
بهبود جدی	بهبود جدی	دربهای گردان	شخصی		
بهبود نسبی	بهبود نسبی	عدم پاسخگویی			
بهبود نسبی	بهبود نسبی	عدم شفافیت			
بهبود نسبی	بهبود جدی	ضعف اقتدار نظارتی			
بهبود نسبی	بهبود جدی	غیرمتخصص بودن شورای تصمیم گیر	نظام		
بهبود نسبی	بهبود نسبی	عدم تعریف پیامدهای اتخاذ تصمیمات	تصمیم گیری		
					ساختار حکمرانی

همان منبع

همان گونه که در بخش ضعف های مرتبط با ساختار حکمرانی بانک مرکزی آمده است، تعارض منافع بانک مرکزی با دولت در زمینه حفظ استقلال مقام پولی منتج به سلطه مالی دولت بر سیاست گذار پولی است.

به نظر شما ترکیب بهینه شورای پول و اعتبار چگونه باید باشد؟

پیشنهاد می کنم اعضاء شورای پول و اعتبار شامل ۹ نفر به شکل زیر باشد:

۱. رئیس کل بانک مرکزی به عنوان رئیس شورای پول و اعتبار (یا هیأت عالی)،

۲. ساير اعضا شوراي پول و اعتبار شامل خبرگان علوم اقتصادي، مالي و بانكداري با تحصيلات دانشگاهي (دكتري) و حداقل ۱۵ سال سابقه تدريس در دانشگاه ها و يا سابقه كار در نهادها و سازمان هاي تخصصي اقتصادي، مالي و بانكي كه توسط رئيس جمهور (۲ نفر)، رئيس مجلس شوراي اسلامي (۲ نفر)، رئيس قوه قضائيه (۱ نفر) و همچنين رئيس كل بانك مركزي (۳ نفر) معرفي مي شوند.

۳. احكام انتصاب تمام اين اعضا توسط رئيس جمهور و براي مدت ۵ سال صادر شود.

۴. با هدف جلوگیری از تعارض منافع، کلیه اعضا شوراي پول و اعتبار به صورت موظف (تمام وقت) در بانك مركزي حضور داشته باشند و هيچ نوع اشتغال يا تدريس در دانشگاه ها و يا عضویت در هیأت مدیره شرکت ها يا مجامع داخلی و خارجی را بعد از عضویت در شوراي پول و اعتبار (يا هیأت عالی) نداشته باشند.

۵. کلیه اعضا شوراي پول و اعتبار در تصمیمات شورا دارای حق رأی بوده و رأی آن ها با ذکر نام فرد، شرح رأی و تاريخ ثبت می شود.

در زمان حضرت امام نماینده شوراي نگهبان در شوراي پول و اعتبار حضور داشت، چرا الان شوراي فقهی به عنوان رکنی از بانك مركزي در نظر گرفته شده است؟ آیا نظر مقام رهبری این طور بوده است؟

طبق ماده ۱۸ طرح قانون بانكداري؛ مبحث دوازدهم: شوراي فقهی، ماده ۲۱، برای حصول اطمینان از اجرای صحیح عملیات بانكي بدون ربا در نظام بانكي کشور و جهت نظارت بر عملکرد نظام بانكي و اظهار نظر نسبت به رویه ها و ابزارهای رایج، شیوه های عملیاتی، دستورالعمل ها، بخشنامه ها، چهارچوب قراردادهای و نحوه اجرای آن ها، از جهت عدم مغایرت با موازین فقه اسلامی، شوراي فقهی تشکیل می گردد. قراردادان شوراي فقهی به عنوان رکن بانك مركزي علاوه بر ایجاد مشکلات و اختلال در فرآیند تصمیم گیری و پاسخگویی مقام پولی، موجب موازی کاری و افزایش بروکراسی اداری خواهد شد و این امر نتیجه ای جز کندی در تصمیمات سیاست گذار پولی نخواهد داشت. به نظر می رسد مقام معظم رهبری با علم به این موضوع شوراي فقهی را به عنوان رکن موازی شوراي پول و اعتبار ندیده اند بلکه در ذیل شوراي پول و اعتبار در مقام مشورت مورد تأیید قرار داده اند. لیکن مطابق ماده ۲۱ فوق این شورا نقش نظارتی نیز خواهد داشت و علاوه بر توسعه ی تشکیلات اداری در بانك مركزي جهت امر نظارت از سوی این شورا، ایفای این نقش از سوی شوراي فقهی، موجبات سردرگمی نظام بانكي در اجرای مقررات بانك مركزي فراهم خواهد شد. به علاوه بانك مركزي در چارچوب قانونی فعالیت می کند که منطبق با قانون اساسی کشور و با رعایت اصول فقه و شرع است، لذا قراردادان رکن شوراي فقهی با هدف تطبیق تصمیمات بانك مركزي با قوانین بالادستی و یا نقش نظارتی موضوعیت ندارد و کارکرد این شورا در حد اعلام نظر در خصوص ابزارهای مورد استفاده در نظام بانكي جهت ارائه خدمت به مردم می باشد و لذا دو پیشنهاد برای جایگاه شوراي فقهی ارائه می شود:

^۹ مجلس شوراي اسلامي - گزارش یک شوری، دوره یازدهم- سال اول - شماره ثبت ۵۸، تاريخ ۱۴۰۰/۰۱/۲۵

۱. از آنجا که شوراي فقهی در نظام بازار سرمايه، و نظام بیمه ای تعریف شده است می توان یک شوراي فقهی در ذیل ساختار شوراي نگهبان پیش بینی کرد که در خصوص مسائل فقهی و شرعی مرتبط با نظام مالی شامل نظام بانکی، بیمه ای و بازار سرمايه، به شوراي نگهبان مشورت دهند. قطعاً شوراي نگهبان در زمان تصویب قوانین مربوط به نظام بانکی، بازار سرمايه و نظام بیمه نقطه نظرات شوراي فقهی را مدنظر قرار خواهد داد. به علاوه آن شورا می تواند مسائل مشترک بین این بخش ها را با رویه ی مشخص پیشنهاد دهد.

۲. یک نفر از علماء مسلط به علوم اقتصادی، مالی و بانکی از سوی مقام معظم رهبری به عنوان عضو غیرموظف و بدون حق رأی در جلسات شوراي پول و اعتبار شرکت نمایند و چنانچه مشورتی در زمینه ی مسائل فقهی و شرعی در شوراي پول و اعتبار مد نظر ایشان است ارائه نمایند.

۳. در خصوص موضوع نظارت بر عملکرد نظام بانکی، ناظران و بازرسان بانک مرکزی و همچنین در بانک ها از گذشته تاکنون علاوه بر گذراندن واحدهای درسی در دانشگاه، دوره های آموزشی لازم جهت اجرای رویه ها و ابزارهای رایج منطبق با موازین شرعی را می گذرانند تا از اجرای صحیح عملیات بانکی بدون ربا در نظام بانکی کشور اطمینان حاصل نمایند لذا ضرورتی به شکل گیری ساز و کارهای موازی وجود ندارد.

برای شوراي فقهی اختیارات بسیار وسیعی به اندازه اختیارات بانک مرکزی در نظر گرفته شده است؟ آیا واقعا شوراي فقهی ظرفیت همه کارهای بانک مرکزی را دارد؟

مسلماً خیر. در این صورت موازی کاری، اختلال تصمیم گیری، عدم پاسخگوئی شوراي فقهی به مشکلات مرتبط بر عدم تصمیم گیری و ... دور از انتظار نیست.

رییس بانک مرکزی بدون حق رای در شوراي فقهی شرکت می کند ولی مسؤولیت حسن اجرای تصمیمات شورا به عهده رییس بانک مرکزی گذاشته شده است. چرا شوراي فقهی خودش مسؤولیت تصمیمات خود را ندارد. اختیارات وسیع بدون مسؤولیت! از طرف دیگر اعضای شورا مادام العمر هستند. چرا محدودیت برای عضویت در نظر گرفته نشده است؟

این از عجایب و ایرادات بزرگ طرح بانکداری است که اختیار و مسؤولیت ها را متناسب ندیده است. به علاوه اگر هر شخصی بداند مادام العمر در جایگاهی قرار دارد مطمئناً به خطا می رود.

در مورد نظارت بانک مرکزی چه ارزیابی دارید؟ در سال های گذشته تعدادی از مؤسسات اعتباری پول مردم را خوردند و نجات آن ها موجب افزایش نقدینگی و تورم شد. نظارت بانک چگونه باید باشد؟

تا حدودی خوب بوده است ولی ضعف های داخلی و عوامل خارج از بانک مرکزی موجبات ناکارآمدی نظارت بانکی را فراهم کرده است. مکانیزم نظارتی بانک مرکزی بر پایه نظارت حضوری و نظارت غیرحضوری که در هر دو حالت بانک

مرکزی نیازمند سیستم جامع و به هنگام اطلاعاتی از وضعیت مالی نظام بانکی است. قطعاً اشراف اطلاعاتی بانک مرکزی و صحت و شفافیت اطلاعات در دسترس بانک مرکزی می تواند در بهبود نظارت بر عملکرد بانک ها تأثیر مثبت بگذارد.

شما به عنوان معاون اسبق ارزی بانک مرکزی در مورد شیوه دخالت فعلی بانک در بازار ارز چه نظری دارید؟ راه حل شما چیست؟

به نظر اینجانب ایرادات زیر بر آخرین نسخه ی قابل دسترس طرح بانکداری جمهوری اسلامی (که طی گزارش یک شورای رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس در تاریخ ۱۴۰۰/۱/۲۵ ارائه شد) عبارتند از:

۱. در ماده ۷۹ آمده است که "پس از انقضای مدت زمان مندرج در ماده ۷۸، مواد ۱ تا ۲۹، بندهای (الف) و (ب) ماده ۳۰ و مواد (۲۹) و (۴۰) قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸ و اصلاحات بعدی آن نسخ می شود. تا زمانی که دستورالعمل های اجرائی این قانون به تصویب نرسیده است، آئین نامه ها و دستورالعمل های سابق، مشروط بر این که با مفاد این قانون، به تشخیص بانک مرکزی، معارض نباشد، لازم الاجراء است."

این درحالی است که با ملاحظه ی مفاد قانون پولی و بانکی کشور با آخرین اصلاحات سال ۱۳۹۹، قسمت اول (پول شامل مواد ۱ تا ۹)، قسمت دوم (بانک مرکزی شامل فصل اول (کلیات)، فصل دوم (وظایف و اختیارات)، فصل سوم (ارکان)، طی مواد ۱۱ تا ۲۴، همچنین مواد ۲۵ تا ۲۹، عملاً نسخ شده است. لذا به نظر می رسد علاوه بر مسئله ی عدم تناسب ارکان بانک مرکزی و حیطة تصمیم گیری، و همچنین عدم تناسب اختیارات و مسؤولیت های بانک مرکزی به خصوص با درج شورای فقهی به عنوان یک رکن بانک مرکزی، موضوع مندرج در ماده ۲۶ نیز حاکی از تسلط مالی دولت بر بانک مرکزی است. همان گونه که در پی نوشت قانون پولی و بانکی کشور با اصلاحات تا سال ۱۳۹۹ آمده است، مجلس شورای اسلامی در تیرماه ۱۳۹۲ با اصلاح ماده ۲۶ قانون پولی و بانکی کشور تحت عنوان قانون نحوه محاسبه و اعمال تسعیر دارایی ها و بدهی های ارزی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران طی ماده واحده که به تأیید شورای نگهبان نیز رسیده بود، با عنایت به آثار تورمی موضوع در اقتصاد کشور، مقرر کرد که تفاوت ناشی از تسعیر دارایی ها و بدهی های ارزی بانک مرکزی که از تغییر نرخ برابری ارز، طلا و جواهرات ایجاد می شود، صرفاً ناشی از ارزیابی حسابداری است و سود تحقق یافته تلقی نمی گردد و مشمول مالیات نیست و مابه التفاوت آن در حسابی تحت عنوان "مازاد حاصل از ارزیابی خالص دارایی های خارجی" منظور و در بخش سرمایه بانک مرکزی ذیل حساب اندوخته ها در ترازنامه منعکس و گزارش می شود. مانده این حساب صرفاً بابت جبران زیان های احتمالی آتی بانک مرکزی ناشی از تغییر (کاهش) برابری های قانونی ارز (تسعیر) قابل استفاده است."

همچنین در تبصره های ذیل این ماده قانونی آمده است:

تبصره ۱: نرخ برابری ارز مطابق ساز و کار قانونی توسط بانک مرکزی تعیین می گردد.

تبصره ۲: مفاد این قانون از تاریخ تصویب لازم الاجراست.

تبصره ۳: با تصویب این قانون بند (ب) ماده ۲۶) قانون پولی و بانکی کشور مصوب سال ۱۳۵۱ نسخ می گردد.

چنانچه ملاحظه می شود :

اولاً مطابق این اصلاحات قانونی که در سال ۱۳۹۲ انجام شد بانک مرکزی اختیار و مسؤولیت تام در زمینه نرخ ارز را طبق تبصره ۱ داشته است و نسخ این قانون عملاً بانک مرکزی را ناچار به اخذ مجوزهای غیر قانونی یا فراقانونی مشابه آنچه اخیراً سران سه قوه با بانک مرکزی داده اند می نماید.

ثانیاً با نسخ این ماده قانونی با وجود ارکان پیش بینی شده در این طرح که عملاً سلطه ی دولت بر بانک مرکزی را هم در مجمع بانک مرکزی و هم در هیأت عالی (شورای پول و اعتبار) بر تعیین نرخ ارز توسط بانک مرکزی نشان می دهد. و چنانچه موضوع نحوه ی محاسبه و اعمال تسعیر دارایی ها و بدهی های ارزی بانک مرکزی تغییر کند عملاً به دولت این اجازه داده می شود تا بدهی ها به بانک مرکزی و یا بانک ها و حتی شرکت ها و پیمان کاران را افزایش داده و با هدف جبران کسری بودجه به بهانه اعمال نظام ارزی شناور مدیریت شده، یا از ذخایر بانک مرکزی استفاده نماید و یا از مکانیزم افزایش نرخ ارز استفاده نماید و با استعانت از این مفاد ماده قانونی مندرج در طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران، بخشهایی از بدهی هایش را از طریق تسعیر نرخ ارز تسویه نماید. مطمئناً این امر به چرخه ی معیوب افزایش ادواری پایه پولی (افزایش تورم) - افزایش نرخ ارز - تسویه بدهی های دولت از طریق تسعیر ارز خواهد انجامید و این چرخه ی معیوب نمونه ی بارزی از سلطه ی مالی دولت بر بانک مرکزی است. به علاوه بانک مرکزی در دوره های متفاوت بایستی به دنبال اخذ مجوزهای خاص برای انم وظایف قانونی خود در کنترل تورم و حفظ ارزش پول ملی با توجه به ساختار اقتصادی و مالی کشور به خصوص در شرایطی که با ناترازی در تراز پرداخت ها، ناترازی مالی دولت (کسری بودجه) و ناترازی بانک ها به خصوص در زمان نگهداری حجم بالائی از دارایی های ارزی و اضافه برداشت همراه باشد. همان گونه که در انتهای پاسخ به سوال اول آمد، اگرچه تا بهمن ماه سال ۱۴۰۱ مجلس شورای اسلامی اقدام به اصلاح برخی از ایرادات اعلامی از سوی شورای نگهبان در مواد ۱ تا ۶۶ طرح بانکداری نموده است، لیکن هنوز ایرادات بسیاری بر این طرح وارد است. مصداق این امر را می توان در ماده ۵۷ طرح بانکداری و ایرادات شورای نگهبان دید که طی اصلاحات به عمل آمده، در بند (ب) این ماده آمده است: چنانچه حساب تسعیر دارایی ها و بدهی های خارجی بانک مرکزی بستانکار شود، مانده حساب مزبور قابل برداشت نیست و در پایان همان سال مالی با بدهی دولت به بانک مرکزی تسویه یا به حساب اندوخته عام بانک مرکزی منتقل می شود. و در بند (پ) همان ماده آمده است که در صورتی که بانک مرکزی در نتیجه تغییرات ارزش دارایی ها و بدهی های خارجی خود بر حسب ریال در دوره مورد گزارش با زیان مواجه شده باشد و مانده حساب تسعیر دارایی ها و بدهی های خارجی بانک مرکزی برای پوشش زیان کافی نباشد، باقیمانده زیان از محل حساب اندوخته عام برداشت می شود. چنانچه مانده حساب اندوخته عام نیز برای پوشش زیان کافی نباشد، دولت باید ظرف سی روز از زمان تصویب صورت های مالی توسط مجمع عمومی بانک مرکزی، اوراق بهادار دولتی (سند بدهی دولت به بانک مرکزی) به میزان باقیمانده زیان، در اختیار بانک مرکزی قرار دهد. اوراق مزبور در صورت افزایش مانده حساب تسعیر دارایی ها و بدهی های خارجی بانک مرکزی یا حساب اندوخته عام در سال های بعد، به دولت عودت داده می شود.

اين دو بند ماده ۵۷ مطمئناً سلطه مالي دولت بر بانک مركزي هم به لحاظ تسويه بدهي هاي دولت به بانک مركزي و هم به لحاظ انتشار اوراق بدهي مجدد توسط دولت در صورت عدم كفايت موجودي حساب اندوخته عام را نشان مي دهد.

۲. در حال حاضر با اختياراتي كه شوراي هماهنگي سران سه قوه به بانک مركزي داده اند تا بازار ارز را مديريت كند، امكان مديريت بازار و کاهش نوسانات شديد در بازار ارز توسط بانک مركزي فراهم است ليكن مديريت بازار ارز به عوامل خارجي و داخلي بانک مركزي مرتبط است. قطعاً عواملی مانند تحریم ها، عدم پذیرش كامل توصيه هاي FATF، شرايط سياسي-اجتماعي حاكم، تمايل اشخاص حقيقي و حقيقي به تبديل ريال به ارز با هدف حفظ ذخيره ارزش و در اغلب موارد خروج سرمايه و همچنين قاچاق کالا و ارز كه موجبات تمايل به خروج ارز از کشور را تشديد مي نمايند، از حيطه مديريت بانک مركزي خارج است. اما در خصوص عوامل داخلي بانک مركزي، اظهارنظرهاي متفاوت و بعضاً متضاد از سوی رئيس كل بانک مركزي و كارشناسان و مسئولان اين بانک، عدم اشراف اطلاعاتي بانک مركزي بر عرضه و تقاضاي بازار ارز، نادیده گرفتن يا بي اهميت جلوه دادن نرخ ارز غيررسمي در بازار، ناهماهنگي و اختلال در تصميمات و تغيير مكرر تصميمات، عدم تطبيق نظام مند و به هنگام منابع و مصارف ارزی و ... مي تواند به نابساماني بازار ارز بيانجامد و بانک مركزي عليرغم تلاش هاي بسيار، از عهده ي مديريت بازار ارز و کاهش نااطميناني در اين بازار بر نيايد.

۳. بانک مركزي از ابتدای اسفند ۱۴۰۱ اقدام به راه اندازي "مركز مبادلات ارز و طلا" نموده است و با وجود اخذ اختيارات لازم از سران سه قوه و همچنين تلاش هاي بي وقفه ي همكاران در بانک مركزي، با موضوع نوسانات شديد در بازار ارز مواجه بوده و روند تصميماتي كه اتخاذ کرده حاكي از كم توجهي به سوابق و تجربيات گذشته بوده است. مهم ترين نکات در اين خصوص عبارتند از :

۱- بانک مركزي با تشديد تحریم ها عليه نظام بانكي، در خرداد ماه ۱۳۹۰ با هماهنگي شبكه بانكي، وزارت صمت و سازمان گمرک (و حتى ساير دستگاه ها حسب لزوم) اقدام به طراحي پورتال ارزی در ۵ فاز با هدف مديريت منابع و مصارف ارزی کشور نمود و فازهاي اول و دوم پورتال ارزی را در اسفند ۱۳۹۰ و بهمن ۱۳۹۱ راه اندازي نمود. بر اساس امكانات سامانه هاي فعال در پلتفرم پورتال ارزی، بانک مركزي مي توانست ثبت سفارشات را با ميزان فروش ارز توسط بانک ها و همچنين ارزشهاي تخصيص يافته و تأمين شده بابت ترخيص کالاها از گمرکات تطبيق دهد تا هم اولويت هاي تعيين شده جهت واردات انواع کالاها (اولويت هاي ده گانه اي كه توسط وزارت صمت مشخص شده بود و شامل كالاهاي اساسي و ذخاير استراتژيك، كالاهاي مورد نياز بخش توليد اعم از مواد اوليه، كالاهاي واسطه اي و كالاهاي سرمايه اي و در نهايت كالاهاي غير ضرور مي شد) رعايت شود تا کشور دچار كمبود اين اقلام نشود و هم ارز از بخش هاي توليدي ساير اقلام حمايت شود. توصيه اكيد اينجانب به بانک مركزي تکميل فازهاي باقيمانده ي پورتال ارزی است تا امكان رصد يا پايش منابع و مصارف ارزی ممکن شود.

۲- معرفي نرخ ثابت ارز ۲۸۵۰۰ تومان براي واردات ۱- كالاهاي اساسي، ۲- دارو و تجهيزات پزشكي و همچنين ۳- مواد و تجهيزات بخش توليد در روزهاي ابتدائي بازار ارز كه در روزهاي بعد به ميانگين نرخ ۲۸۵۰۰ تغيير كرد. اين در حالي است كه مطمئناً براي اين سه گروه اصلي ارقام وارداتي بايد ابتداً برآوردي از منابع ارزي لازم براي ششماه تا يكسال آينده و حتي برآوردي براي ذخاير استراتژيك به خصوص براي كالاهاي اساسي و دارو مي داشتند. اولين تجربه در خصوص اين موضوع در سوم مهرماه ۱۳۹۱ با راه اندازي مركز مبادلات ارزي و هماهنگي لازم بانك مركزي و وزارت صمت وجود داشته است. استفاده از تجربيات مركز مبادلات ارزي مي تواند در موفقيت بانك مركزي در حال حاضر بسيار اثرگذار باشد.

۳- اگرچه اينجانب با فروش ۵۰۰۰ يورو با ارائه ي كارت ملي به افراد موافق نبوده و نيستم و اين امر را تحريك تقاضا به خصوص با شرايط كمبود منابع ارزي بدليل تحريم ها و همچنين تأثيرپذيري شديد بازار ارز از بازارهاي غيررسمي خارجي مانند امارات، كردستان عراق و بازار هرات مي دانم، ولي در عين حال با شوك درمانی نيز موافق نيستم. بانك مركزي در روز رونمايي از مركز مبادلات ارزي اعلام كرد كه فروش ۵۰۰۰ يورو به اشخاص را قطع كرده و اين امر موجبات افزايش تقاضا در بازار با سيگنال كمبود احتمالي منابع ارزي بانك مركزي را فراهم كرد و بانك مركزي مجدداً به فاصله كوتاهي تغيير رويه داد! تا بازار را آرام كند.

۴- بانك مركزي صادركنندگان را ابتدا موظف به فروش ارز به نرخ ۲۸۵۰۰ تومان در سامانه نيما كرد، سپس با مقاومت ايشان مواجه شد و اجازه داد صادركنندگان ارز خود را در مركز مبادلات ارزي بفروشند اين بار با مقاومت صرافي ها مواجه شد و در گام بعد با تغيير رويه اجازه داد تا صادركنندگان ارز خود را در صرافي ها بفروشند! اين تغييرات مكرر برنامه ها ناشی از عدم استفاده از تجربيات گذشته است كه همكاران مي توانند با مطالعه سوابق امر از تكرر اشتباهات و تغيير مداوم برنامه هايشان بکاهند.

ضمائم:

ماده	ملاحظات اقتصادی	ملاحظات حقوقی	پیشنهاد های اصلاحی
فصل اول: کلیات			
<p>ماده (۱) - اصطلاحات به کار رفته در این قانون، در معانی زیر به کار رفته اند:</p> <p>الف) بانک مرکزی: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.</p> <p>ب) هیئت عالی: هیئت عالی بانک مرکزی.</p> <p>پ) رئیس کل: رئیس کل بانک مرکزی.</p> <p>ت) معاون سیاست گذاری پولی: معاون سیاست گذاری پولی بانک مرکزی.</p> <p>ث) معاون تنظیم گری و نظارت: معاون تنظیم گری و نظارت بانک مرکزی.</p> <p>ج) شورای فقهی: شورای فقهی بانک مرکزی.</p> <p>چ) عملیات بانکی: دریافت سپرده از اشخاص حقیقی یا حقوقی و اعطای تسهیلات یا ایجاد اعتبار.</p> <p>ح) خدمات بانکی: مجموعه اقداماتی غیر از عملیات بانکی، نظیر صدور ضمانت نامه و گشایش اعتبار اسنادی که مؤسسه اعتباری می تواند در چارچوب دستورالعمل های اعلامی بانک مرکزی به مشتریان ارائه دهد و در قبال آن کارمزد دریافت کند.</p> <p>خ) مؤسسه اعتباری: در این قانون، به اشخاص حقوقی که با مجوز بانک مرکزی یا به موجب قانون، تحت عنوان «بانک» یا «مؤسسه اعتباری غیر بانکی» به انجام عملیات بانکی مبادرت می نمایند، مؤسسه اعتباری اطلاق می شود. مؤسسه اعتباری می تواند مشتمل بر انواع مختلفی از جمله تجاری، تخصصی، توسعه ای، مشارکتی، جامع و یا قرض الحسنه باشد و به صورت حقیقی یا مجازی، و سطوح بین المللی، ملی یا منطقه ای فعالیت کند. ویژگی ها و شرایط تأسیس و فعالیت انواع مؤسسه اعتباری به تصویب هیئت عالی می رسد.</p> <p>د) شبکه بانکی: مجموعه مؤسسات اعتباری که به موجب قانون یا با مجوز بانک مرکزی به انجام عملیات بانکی اشتغال دارند.</p> <p>ذ) «شخص تحت نظارت»: کلیه مؤسسات اعتباری، صندوق های قرض الحسنه، تعاونی های اعتبار و سایر مؤسسات سپرده پذیر؛ شرکت های واسطی (لیزینگ)؛ صرافی ها؛ شرکت های مدیریت دارایی های مؤسسات اعتباری؛ شرکت های اعتبار سنجی ارائه دهنده خدمات به مؤسسات اعتباری؛ و سایر اشخاصی که به انجام عملیات یا ارائه خدمات بانکی، ارائه ابزارهای پرداخت و سایر فعالیت های مرتبط اشتغال دارند، در این قانون، با عنوان «شخص تحت نظارت» یاد می شوند. تشخیص مصادیق، برعهده بانک مرکزی است.</p> <p>ر) «شخص مرتبط»: اشخاص حقیقی یا حقوقی که به نحوی از انحاء، نظیر داشتن رابطه خویشاوندی، مالکیتی، نیابتی یا مدیریتی بتوانند به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر تصمیم گیری های «شخص تحت نظارت» اعمال نفوذ نمایند. تشخیص مصادیق، برعهده بانک مرکزی است.</p> <p>ز) گزیر: مجموعه اقداماتی است که تحت راهبری بانک مرکزی به منظور صیانت از منافع عموم و حفظ ثبات مالی در خصوص مؤسسات اعتباری که با مشکل نقدینگی مواجه شده یا در معرض ورشکستگی قرار گرفته اند، در چارچوب قانون به مورد اجرا گذارده می شود.</p> <p>ژ) سهامدار مؤثر: در این قانون، منظور از سهامدار مؤثر سهامداری است که به تشخیص بانک مرکزی، یک یا چند عضو هیئت مدیره «شخص تحت نظارت» به تنهایی توسط او انتخاب می شود.</p>	<p>در بند «چ»، با توجه به اینکه در بند «خ» و «ز» عبارت (در) اصلاح بند «چ»:</p> <p>مفهوم متبادر از ایجاد اعتبار این قانون زاید است؛ زیرا در اضافه کردن عبارت «یا شامل سرمایه گذاری بانکها و صدر ماده تصریح شده است بر سرمایه گذاری»</p> <p>مؤسسات اعتباری به خصوص «اصطلاحات به کار رفته در این برای بانک های توسعه ای قانون، در معانی زیر به کار اصلاح بند «خ»:</p> <p>نی شود، لازم است موضوع رفته اند».</p> <p>سرمایه گذاری نیز به تعریف اضافه گردد.</p> <p>اطلاق حکم ذیل بند «خ» حذف عبارت «مؤسسه مبتنی بر اینکه ویژگی ها و اعتباری می تواند مشتمل بر شرایط تأسیس و فعالیت انواع مختلف از جمله تجاری، تخصصی، توسعه ای، مشارکتی، جامع و یا قرض الحسنه باشد و به صورت حقیقی یا مجازی، و سطوح بین المللی، ملی یا منطقه ای فعالیت کند. ویژگی ها و شرایط تأسیس و فعالیت انواع مؤسسه اعتباری (۱۳۸) مغایر است و در مورد باندکداری است و نه بانک مرکزی، پیشنهاد می شود این قسمت حذف شود.</p> <p>در مورد باندکداری به شمول این بند که در مورد ویژگی ها، شرایط تأسیس و مقررات گذاری دارد با اصل فعالیت انواع مؤسسه اعتباری (۱۳۸) مغایر است و در مورد باندکداری لازم می آید است، لازم است در کنار آنها موضوع تنظیم گری مؤسسات اعتباری نیز مورد توجه قرار گیرد.</p> <p>سیاست های کلی اصل (۲۴) اصلاح بند «ذ»:</p> <p>در مورد بند «ز» با توجه به اینکه در بند «ز» تقیید تعریف لازم است در مورد «مستقیم و غیرمستقیم» تصریح صورت گیرد.</p> <p>توسط بانک مرکزی» محل ایراد است و از حیث اصول حقوقی (قانون گذاری) باید آن قید حذف شود و در انتهای تعریف سهامدار مؤثر، بیان شود که تشخیص این امر با بانک مرکزی است.</p>	<p>اصلاح بند «چ»:</p> <p>اصلاح بند «خ»:</p> <p>اصلاح بند «ز»:</p> <p>اصلاح بند «ژ»:</p>	<p>پیشنهاد های اصلاحی</p>

ماده	ملاحظات اقتصادی	ملاحظات حقوقی	پیشنادهای اصلاحی
<p>ماده (۲) - اهداف این قانون عبارت است از:</p> <p>الف) کمک به تحقق اهداف و احکام اقتصادی مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه بند «۵» اصل چهل‌وسوم قانون اساسی، و سیاست‌های کلی نظام به‌ویژه بندهای «۱» و «۹» و «۹» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی؛</p> <p>ب) ارتقای استقلال، اقتدار، کارآمدی و پاسخگویی بانک مرکزی؛</p> <p>پ) ارتقای سلامت، اثربخشی و پاسخگویی شبکه بانکی؛</p> <p>ت) مدیریت ایجاد اعتبار و تنظیم جریان نقدینگی کشور، به‌منظور هدایت تسهیلات و اعتبارات در جهت توسعه زیرساخت‌ها و صنایع اساسی و تأمین مالی سالم، پایدار و عادلانه واحدهای اقتصادی و خانوارها و جلوگیری از تمرکز ثروت.</p>	<p>در بند «پ» باید اصلاح بدون تغییر.</p> <p>«اثربخشی» تعریف شود و رابطه آن با کارایی و سایر اصطلاحات مشابه مشخص شود والا ابهام دارد.</p> <p>در بند «ت» باید عبارت «زیرساخت‌ها و صنایع اساسی» تعریف شود والا ابهام دارد که این ابهام با بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری در تضاد است. مشخص نیست که اولاً، مفهوم و مصادیق زیرساخت‌ها چیست و ثانیاً، معیار اساسی بودن صنایع چیست و ثالثاً رابطه میان زیرساخت و صنایع اساسی چیست.</p>		
فصل دوم: مسئولیت، اهداف، وظایف و اختیارات بانک مرکزی			
<p>ماده (۳) -</p> <p>الف) مسئولیت استقرار بانکداری اسلامی و برقراری مناسبات عادلانه در بخش پولی و بانکی اقتصاد کشور در چارچوب قوانین، برعهده بانک مرکزی است.</p> <p>ب) بانک مرکزی باید اهداف زیر را محقق کند:</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. کنترل تورم و ثبات سطح عمومی قیمت‌ها؛ ۲. ثبات و سلامت شبکه بانکی و سایر «شخص تحت نظارت»؛ ۳. حمایت از رشد اقتصادی و اشتغال؛ ۴. حمایت از ارزش پول ملی. 	<p>بند «ب»:</p> <p>در رابطه با جزء «۴» از آنجایی که تنها راه حفظ ارزش پول ملی کنترل پایدار تورم است و این موضوع نیز به‌عنوان اولین هدف بانک مرکزی در نظر گرفته شده است، اشاره به حمایت از ارزش پول ملی در هدف چهارم اولاً حشو تلقی می‌شود و ثانیاً می‌تواند منجر به این سوءبرداشت شود که بانک مرکزی باید نرخ ارز اسمی را ولو در شرایط تورم داخلی، سرکوب نماید.</p>	<p>اصلاح جزء «۴» بند «ب»: پیشنهاد (۱): حذف جزء «۴» پیشنهاد (۲): جایگزینی جزء «۴» با عبارت «حفظ ارزش واقعی پول ملی»</p>	
<p>ماده (۴) - وظایف و اختیارات بانک مرکزی به شرح زیر است:</p> <p>الف) وظایف بانک مرکزی:</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. تهیه و ابلاغ دستورالعمل‌های موردنیاز برای اجرای این قانون؛ ۲. اعمال اختیارات قانونی بانک مرکزی برای جلوگیری از بروز تخلف توسط «شخص تحت نظارت» و تنبیه «شخص تحت نظارت» متخلف؛ ۳. تنظیم‌گری نظام پرداخت کشور؛ ۴. ایجاد زیرساخت‌های فنی لازم برای تحقق اهداف بانک مرکزی، ازجمله تشکیل پایگاه(های) جامع جمع‌آوری و تحلیل داده؛ 	<p>وظایف اصلی بانک‌های مرکزی را می‌توان به شرح زیر طبقه‌بندی کرد:</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. سیاستگذاری پولی ۲. مقررات‌گذاری و نظارت ۳. ایجاد نظام پرداخت کارا و مطمئن ۴. بهبود تأمین مالی و تمهید زیرساخت لازم برای توسعه مالی ۵. مدیریت تراز پرداخت‌ها و بازار ارز 	<p>از آنجایی که اطلاق برخی از اجزاء بندهای «الف» و «ب» این ماده (جزء‌های «۳»، «۵»، «۶»، «۸»، «۱۴» و «۱۵» بند «ب» به شرح زیر است.</p> <p>«الف» و جزء «۱» بند «ب» و «الف» و جزء «۱» بند «ب» را شائبه ورود به قانونگذاری را پیدا می‌کند، پیشنهاد می‌شود در صدر این ماده عبارت «در» حذف شود، پیشنهاد می‌شود «در» حذف شود، پیشنهاد می‌شود «در» حذف شود.</p>	

ماده	ملاحظات اقتصادی	ملاحظات حقوقی	پیشنادهای اصلاحی
۵. ایجاد و توسعه بسترهای اطلاعاتی موردنیاز برای فعالیت شرکت‌های اعتبارسنجی، مؤسسات تضمین تعهدات و سایر نهادهای مکمل صنعت بانکداری و تهیه و ابلاغ دستورالعمل‌های لازم؛	اگرچه این ماده تا حد قابل قبولی وظایف و اختیارات لازم برای موارد فوق را در نظر گرفته است، ولی نقطه ضعف ماده این است که هیچ دسته‌بندی و ترتیب و تقدمی برای موارد ذکر شده در آن وجود ندارد. همچنین وظایف عموماً کلی و غیرقابل ارزیابی است و نیازمند تدقیق و هدف‌گذاری مشخص است که در فصول آتی باید مدنظر قرار گیرد.	چارجوب قوانین» در بند «۷۲» بخش اول قابل حذف است.	تکمیل جزء «۱۳» بند «الف».
۶. ایجاد زیرساخت‌های بانکی لازم برای تسهیل مبادلات خارجی کشور؛	سایر ملاحظات عبارتند از: ۱. به وظیفه سیاست‌گذاری پولی در بند «الف» تصریح نشده است. ۲. اختیار اعمال و به‌کارگیری ابزارهای نظارتی نیز در بند «ب» ذکر نشده است.	در جزء «۵» بند «الف»، عبارت «سایر نهادهای مکمل صنعت بانکداری» ابهام دارد و فاقد تعریف قانونی است که این ابهام با بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری در تضاد است.	افزافه کردن عبارت «ابزارهای نوین تأمین مالی مسکن» قبل از عبارت «و مجلس شورای اسلامی».
۷. ایجاد زیرساخت‌های موردنیاز و انجام پیگیری‌های لازم برای انعقاد بیمه‌های پولی دو یا چندجانبه با سایر کشورها در چارجوب قوانین مصوب	توسعه مؤسسات قرض‌الحسنه و ترویج وقف و حبس پول؛	در جزء «۹» بند «الف»، باید	اصلاح جزء «۱۴» بند «الف».
۸. ایجاد و تقویت زمینه‌ها، ابزارها و نهادهای لازم برای تأمین مالی خرد فراگیر؛	توسعه مؤسسات قرض‌الحسنه و ترویج وقف و حبس پول؛	قانونگذاری در تضاد است.	اصلاح جزء «۱۴» بند «الف».
۹. ایجاد زمینه لازم برای گسترش تعاون عمومی و سنت قرض‌الحسنه از طریق	توسعه مؤسسات قرض‌الحسنه و ترویج وقف و حبس پول؛	قانونگذاری در تضاد است.	اصلاح جزء «۱۴» بند «الف».
۱۰. جلوگیری از صوری‌سازی و رفع موانع موجود در اجرای واقعی عقود اسلامی؛	توسعه مؤسسات قرض‌الحسنه و ترویج وقف و حبس پول؛	قانونگذاری در تضاد است.	اصلاح جزء «۱۴» بند «الف».
۱۱. تکمیل و به‌روزرسانی الگوی عملیاتی بانکداری اسلامی با استفاده از مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی و تهیه پیش‌نویس لوائح لازم در این زمینه؛	توسعه مؤسسات قرض‌الحسنه و ترویج وقف و حبس پول؛	قانونگذاری در تضاد است.	اصلاح جزء «۱۴» بند «الف».
۱۲. برنامه‌ریزی و تمهید مقدمات موردنیاز برای دسترسی عادلانه عموم خانوارها و بنگاه‌ها و مناطق مختلف کشور به تسهیلات و خدمات بانکی؛	توسعه مؤسسات قرض‌الحسنه و ترویج وقف و حبس پول؛	قانونگذاری در تضاد است.	اصلاح جزء «۱۴» بند «الف».
۱۳. توسعه روش‌های تأمین مالی زنجیره تولید، تأمین مالی مبتنی بر صورت حساب الکترونیک، توسعه ابزارهای تأمین مالی تعهدی و نظایر آن؛	توسعه مؤسسات قرض‌الحسنه و ترویج وقف و حبس پول؛	قانونگذاری در تضاد است.	اصلاح جزء «۱۴» بند «الف».
۱۴. تنظیم‌گری در حوزه رمزارزهای دارای مجوز و نظارت بر مبادله انواع رمزارزهای مجاز؛	توسعه مؤسسات قرض‌الحسنه و ترویج وقف و حبس پول؛	قانونگذاری در تضاد است.	اصلاح جزء «۱۴» بند «الف».
۱۵. تنظیم‌گری فناوری‌های نوین مالی (فین‌تک‌های) فعال در حوزه نقل و انتقال پول و ابزارهای پرداخت؛	توسعه مؤسسات قرض‌الحسنه و ترویج وقف و حبس پول؛	قانونگذاری در تضاد است.	اصلاح جزء «۱۴» بند «الف».
۱۶. پایش مستمر وضعیت اقتصاد کشور و انتشار گزارش‌های فصلی در خصوص میزان تحقق اهداف بانک مرکزی؛	توسعه مؤسسات قرض‌الحسنه و ترویج وقف و حبس پول؛	قانونگذاری در تضاد است.	اصلاح جزء «۱۴» بند «الف».
۱۷. پایش مستمر عملکرد «شاخص تحت نظارت» و تهیه گزارش‌های فصلی در زمینه میزان همسویی آنها با اهداف بانک مرکزی؛	توسعه مؤسسات قرض‌الحسنه و ترویج وقف و حبس پول؛	قانونگذاری در تضاد است.	اصلاح جزء «۱۴» بند «الف».
۱۸. ارائه مشاوره به دولت و مجلس شورای اسلامی در خصوص طرح‌ها و لوائح مرتبط با اهداف و وظایف و اختیارات بانک مرکزی؛	توسعه مؤسسات قرض‌الحسنه و ترویج وقف و حبس پول؛	قانونگذاری در تضاد است.	اصلاح جزء «۱۴» بند «الف».
۱۹. ایفای نقش به‌عنوان بانکدار دولت و مؤسسات اعتباری؛	توسعه مؤسسات قرض‌الحسنه و ترویج وقف و حبس پول؛	قانونگذاری در تضاد است.	اصلاح جزء «۱۴» بند «الف».
۲۰. نظارت بر صادرات و واردات طلا و معاملات طلای شمش و مسکوک؛	توسعه مؤسسات قرض‌الحسنه و ترویج وقف و حبس پول؛	قانونگذاری در تضاد است.	اصلاح جزء «۱۴» بند «الف».
۲۱. نگهداری و مدیریت ذخایر بین‌المللی کشور؛	توسعه مؤسسات قرض‌الحسنه و ترویج وقف و حبس پول؛	قانونگذاری در تضاد است.	اصلاح جزء «۱۴» بند «الف».
۲۲. تحکیم حکمرانی پول ملی، از طریق نظارت مؤثر بر گردش ریال؛	توسعه مؤسسات قرض‌الحسنه و ترویج وقف و حبس پول؛	قانونگذاری در تضاد است.	اصلاح جزء «۱۴» بند «الف».
۲۳. نظارت بر ورود و خروج ارز و پول رایج کشور؛	توسعه مؤسسات قرض‌الحسنه و ترویج وقف و حبس پول؛	قانونگذاری در تضاد است.	اصلاح جزء «۱۴» بند «الف».
۲۴. نگهداری جواهرات ملی.	توسعه مؤسسات قرض‌الحسنه و ترویج وقف و حبس پول؛	قانونگذاری در تضاد است.	اصلاح جزء «۱۴» بند «الف».
ب) اختیارات بانک مرکزی:	توسعه مؤسسات قرض‌الحسنه و ترویج وقف و حبس پول؛	قانونگذاری در تضاد است.	اصلاح جزء «۱۴» بند «الف».
۱. به‌کارگیری ابزارهای سیاست پولی مورد تأیید شورای فقهی؛	توسعه مؤسسات قرض‌الحسنه و ترویج وقف و حبس پول؛	قانونگذاری در تضاد است.	اصلاح جزء «۱۴» بند «الف».
۲. خرید و فروش طلا و ارز با هدف مدیریت بازار و حفظ ارزش ذخایر بین‌المللی کشور؛	توسعه مؤسسات قرض‌الحسنه و ترویج وقف و حبس پول؛	قانونگذاری در تضاد است.	اصلاح جزء «۱۴» بند «الف».
۳. طراحی و انتشار انواع اوراق مالی و خرید و فروش آنها و سایر اوراق بهادار در چارجوب مصوب شورای فقهی؛	توسعه مؤسسات قرض‌الحسنه و ترویج وقف و حبس پول؛	قانونگذاری در تضاد است.	اصلاح جزء «۱۴» بند «الف».
۴. انتشار انواع اسکناس، مسکوک و پول رقمی (دیجیتال) بانک مرکزی (CBDC)؛	توسعه مؤسسات قرض‌الحسنه و ترویج وقف و حبس پول؛	قانونگذاری در تضاد است.	اصلاح جزء «۱۴» بند «الف».
۵. دریافت کارمزد در برابر ارائه خدمات؛	توسعه مؤسسات قرض‌الحسنه و ترویج وقف و حبس پول؛	قانونگذاری در تضاد است.	اصلاح جزء «۱۴» بند «الف».

ماده	ملاحظات اقتصادی	ملاحظات حقوقی	پیشنادهای اصلاحی
۶. مشارکت و عضویت در نهادهای پولی و سازمان‌های بین‌المللی با رعایت اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی؛	در خصوص تبصره «۲» عبارت «وظایف غیرحاکمیتی» بی‌معنی است و بانک مرکزی نباید چنین وظایفی داشته باشد زیرا اتحاد ناظر و منظور پیش می‌آید. چراکه بانک مرکزی خود ناظر است و در همین حال در آن بانک، به‌منزله اعطای اختیار تعیین وظایف شرکت‌های تابعه نیز سهامدار است. لذا در صورتی که در حال حاضر همچنین مشغله‌هایی دارد، لازم است تصریح شود که بانک مرکزی باید از این امور خارج شده و شرکت‌های مربوطه را اداره کند.	ضوابط و معیارهای تابعه بودن در قانون تعیین نشده است. حکم تبصره «۲» مبنی بر جواز واگذاری بخشی از وظایف غیرحاکمیتی بانک مرکزی به شرکت‌های تابعه یا وابسته به آن بانک، به‌منزله اعطای اختیار تعیین وظایف شرکت‌های تابعه نیز سهامدار است. لذا این حکم وظایف حاکمیتی بانک مرکزی مغایر اصل (۸۵) به‌نظر می‌رسد. در صورتی که چنین وظایفی برای بانک مرکزی وجود داشته باشد باید واگذاری آن به شرکت تابعه یا وابسته همراه با واگذاری مدیریت آن شرکت باشد و الا باید بانک مرکزی از این اقدام روح حاکم بر سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی مطابقت ندارد.	قانون صد و بیست و پنجم اساسی؛
۷. انجام عملیات بانکی و تبادل خدمات بانکی با مؤسسات اعتباری خارجی و نهادهای پولی بین‌المللی؛			
۸. همکاری با بانک‌های مرکزی سایر کشورها در چارچوب قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی؛			
۹. ایجاد شعبه یا نمایندگی در داخل یا خارج از کشور؛			
۱۰. ایجاد و توسعه بازارهای مشکل ارز و رمزارزهای مجاز؛			
۱۱. ایجاد و اداره مؤسسات آموزشی و پژوهشی مرتبط با وظایف بانک مرکزی در چارچوب ضوابط و قوانین مربوط.			
تبصره «۱» - تصمیم‌گیری در خصوص جواز یا عدم جواز نگهداری و مبادله انواع رمزارز برعهده هیئت عالی است.			
تبصره «۲» - بانک مرکزی می‌تواند بخشی از وظایف غیرحاکمیتی خود را از طریق شرکت‌های تابعه یا وابسته به خود انجام دهد. سهام بانک مرکزی در شرکت‌های تابعه یا وابسته به آن بانک که «شخص تحت نظارت» - به هر میزان - سهامدار آنها هستند، به‌عنوان سهام ممتاز تلقی شده و تعیین اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل و کلیه اختیارات مدیریتی شرکت‌های مزبور با بانک مرکزی است.			
تبصره «۳» - عملیات بانک مرکزی و تعاملات آن با اشخاص داخلی و خارجی باید در چارچوب مصوبات شورای فقهی باشد.			
	نهایتاً بخش دوم این حکم برای شرکت‌های موجود خلاف قانون تجارت و حقوق مکسبیه است. برای شرکت‌های جدید هم عملاً بی‌معنی است چراکه در شرایطی که تعیین کلیه اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل شرکت و نیز کلیه اختیارات مدیریتی شرکت‌های مزبور در دست بانک مرکزی است، چگونه انگیزه شراکت با بانک مرکزی وجود خواهد داشت؟		جایگزین کردن تبصره «۲» با عبارت زیر: «مشارکت حقوقی بانک مرکزی و شرکت‌های تابعه آن با اشخاص تحت نظارت و اشخاص مرتبط با آنها ممنوع است.»